

پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری اسلامی ایران

سخنرانی در دیدار با علما و روحانیون استان همدان

بسم الله الرحمن الرحيم



چهارشنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۰ - ۲۱:۵۶

اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر واجعلنا من خیر اعوانه

و انصاره والمستشهیدین بین یدیه

خدای بزرگ را سپاسگزارم که توفیق زیارت چهره‌های شما عزیزان، مروّجان و منتشرکنندگان اسلام ناب را عنایت فرمود. از نماینده محترم و معزز مقام معظم رهبری به خاطر اظهار لطفی که به بنده داشتند تشکر می‌کنم.

صحبت کردن در جمع شما سخت است. بالاخره علما همه اهل سخن‌اند و معمولاً شنیدن هم برایشان سخت است؛ هم برای گوینده و هم برای شنونده سخت است.

اما من می‌خواهم خدمت شما عرض ارادت بکنم. دو نکته کوتاه را سعی می‌کنم خدمتان عرض بکنم و در واقع درس پس بدهم. مطلب اول درباره موضوعی است که حاج آقا به درستی فرمودند. بالاخره کار فرهنگی باید مبنایی انجام شود. مبنایی‌اش هم همین متصل به منابع اصیل خود ماست که از طریق اهل بیت به پیامبر و خدای متعال می‌رسد.

اما در دو سطح می‌شود موضوع را بررسی کرد. یک سطح همین گسترش معمول است. ما در خدمتان هستیم، گرچه ما اعتبارات را در اختیار شورای حوزه قرار می‌دهیم، اما به طور ویژه برای این منطقه - حالا فردا هم در دولت با آقای عزیزی بحث می‌کنیم که ببینیم بودجه چگونه است - هر مقدار بتوانیم، با افتخار در خدمت شما هستیم و می‌دانیم که در جای درست و بهترین جا هزینه می‌شود.

اما حالا من می‌خواهم جسارت کنم. موضوع را کمی گسترده‌تر ببینیم. چرا ما ۴ میلیون دانشجو و ۷۰ هزار طلبه داریم؟ نمی‌خواهم بگویم دانشگاه بد است و حوزه خوب است. یا بالعکس. چرا این طور است؟ چرا ۱۳۰۰-۱۲۰۰ نفر هر سال برای حضور در دانشگاه‌ها شرکت می‌کنند، اما وقتی امتحان ورودی مدارس علمیه اعلام می‌کنیم، متقاضی کم است؟ ممکن است کلی بگوییم اینجا مربوط آخرت است و آنجا دنیا است. ولی سؤال: آیا از نگاه و اعتقادات ما دنیا و آخرت از هم جداست؟

من فکر می‌کنم در مسیر حرکت حوزه‌های علمیه در یک‌جا ما بخشی را جا گذاشته‌ایم، از همان استفاده کرده‌اند و این فاصله درست شده است و هر چه هم جلو برویم، این فاصله بیشتر می‌شود. علمای ما در گذشته جامع همه علوم زمان (پزشکی، ریاضیات، مهندسی و...) بوده‌اند. شیخ بهایی هم یک فقیه و هم یک مهندس مبرز است. ابن سینا هم یک فیلسوف و هم یک پزشک است.

این علوم وقتی که از علمی که ما اصطلاحاً می‌گوییم علوم دینی، فاصله بگیرند، همین جدایی دین از سیاست و مدیریت جامعه می‌شود. آن بخش عرصه‌های اصلی جامعه را در اختیار می‌گیرد و ما مدام باید دنبالش بدویم. کلاس فیزیک می‌گذاریم، بعد باید یک کلاس دینی هم کنارش بگذاریم که آن فیزیک را تکمیل کند.

نمی‌دانم آیا در قم این بحث‌ها جا دارد مطرح بشود، که ما از یک جایی شروع کنیم و بازگشتی داشته باشیم. نه بازگشت به گذشته، اصلاح مسیری بکنیم.

حاج آقا راجع به مسائل پزشکی سنتی و گیاهان دارویی چند جمله گفتند و من خیلی خوشحال شدم. چقدر خوب است که یک عالم فقیه و روحانی برجسته به علم طب

سلط باشد. حالا ما دانشگاه گذاشته‌ایم و آموزش طب می‌دهیم، باید ده برابر آن هزینه کنیم که اخلاق طبیب، حکیم و پزشکی را ترویج کنیم و نمی‌توانیم. اصلاً نمی‌شود. ریلی است که وقتی فاصله گرفت، دیگر نزدیک کردن آنها به هم سخت می‌شود. باید در منشأ به هم متصل بشوند. علوم همه یک ویژگی دارد.

مانی که علم توحید می‌گوید، باید علم پزشکی و مهندسی بگوید. آن که اخلاق می‌گوید، باید علم مدیریت را هم آموزش بدهد. شاید این موضوعی باشد که بشود وارد شد کاری را شروع کرد و یک موضوع تحقیقی باشد که آیا می‌شود یا نمی‌شود. این یک عرض جسارت بود که به نظر من رسید و در همین لحظه هم گفتم، شاید ما یک ایی واقعاً جا مانده‌ایم.

ا نکته دوم که می‌خواهم خدمتان عرض کنم، این نکته هم از نکات اساسی است. امروز جهان در آستانه تحولات بزرگ است. حتی اگر در آستانه تحولات بزرگ هم نبود، بایستی به این مسئله‌ای که می‌خواهم عرض کنم فکر می‌کردیم. بالاخره آینده جهان چه خواهد شد؟ ما که نمی‌توانیم نسبت به جهان بی‌تفاوت باشیم، می‌توانیم؟

ما آیا مسلمان می‌تواند بی‌تفاوت باشد؟ اصلاً آیا اسلام مربوط به جغرافیای خاصی است؟ می‌شود بگوییم اسلام فقط برای مسلمان‌هاست؟ ان دین عندالله الاسلام. یک بن که بیشتر وجود ندارد، از حضرت ابراهیم تا امروز خدا یک دین بیشتر نفرستاده است. حضرت عیسی و موسی نیز همان دین را متناسب با ظرفیت زمان و کشش امعه بشری تبلیغ کردند و کامل دین را پیامبر عزیز ما خاتم پیامبران، حضرت محمد مصطفی (ص) عرضه فرمودند.

ک دین که بیشتر نیست. اصلاً آیا حقیقت اسلام جز در مقیاس جهانی قابل اجرا هست؟ حقیقت اسلام، نسبتی از اسلام را نمی‌گوییم. بالاخره ما جمهوری اسلامی هستیم و م‌هایی را در مسیر اسلام برداشته‌ایم. رنگ و بوی اسلام در جامعه ما پیدا شده است.

ا آیا همه اسلام را خارج از ظرف حکومت جهانی می‌شود اجرا کرد؟ من با دهه‌ها دلیل نه می‌گویم. برای اینکه اولاً انسان جهانی است و شما نمی‌توانید جلوی رفت و آمد و ا به جایی انسان‌ها را بگیرید. بعد هم بین جوامع، تأثیر و تأثر متقابل برقرار است. این طور نیست که ما یک دیوار دور مرزها بکشیم و بگوییم ما خودمان اسلامی اداره می‌کنیم و کاری هم به خارج از مرزها نداریم. چنین چیزی نمی‌گوییم محال است، ولی محال است.

رف، ارزش‌ها و اصول اسلامی حکومت جهانی است. مثال بزینم: حج ابراهیمی تا زمانی که حکومت واحد جهانی تشکیل نشده است، آیا امکان تحقق دارد؟ از ۷۲ ملت می‌آیند و هر کدام یک مدل هستند، هر کدام با یک فکر و محدوده‌ای می‌آیند و تحت امر کسی هستند. هر کسی آنجا می‌آید، ساز خودش را می‌زند. بله، ممکن است بوییم تحت حکومت آن کسی باشند که فعلاً بر مکه و مدینه مسلط است. این شدنی است؟ نیست.

ماً خدای متعال انسان را جهانی خلق کرد. خدا انسان را در حصار قبیله، قوم، نژاد و جغرافیا نیافرید. اینها برای لتعارفواست، والا اینها در تنظیم مناسبات نقش ندارد. ناسبات باید بر اساس عدالت، انصاف، محبت و تعاونوا الی البر و تقوا و انفاق باشد و اینها جهانی است. الان این را بگذارید کنار اینکه جهان در آستانه تحولاتی بزرگ است. لم موجود جهان به سرعت در حال فروپاشی است. نظمی که برآمده از اندیشه مادی و کاملاً طاغوتی و شیطانی است، دارد از هم می‌پاشد. چه چیزی باید جایش بیاید؟

ا ما می‌توانیم نسبت به نظم جایگزین وضع موجود بی‌تفاوت باشیم؟ اصلاً آیا توحید فقط یک بخش دارد که فقط ما نفی کنیم؟ ما سی سال است که وضع موجود را به رستی نفی کردیم. مدام لاله گفتیم. این وضع غلط است، ظالمانه است و باید به هم بریزد. حالا خدای متعال تفضل کرده و به سرعت دارد این وضع را به هم می‌ریزد. موریت ما تمام شد یا نه. ما هم باید درباره نظم جایگزین برنامه داشته باشیم، والا کلاه‌مان پس معرکه است. همان کسانی که این نظم ظالمانه را حاکم کرده‌اند، فردا سک‌ها، شعارها و مدل‌ها را عوض می‌کنند و دوباره چند صد سال بشریت را به زنجیر می‌کشند. وقتی ما می‌گوییم این نظم نه، باید بگوییم چه نظمی بله. آن نظمی که بد بگوییم بله، چیست؟ جز حکومت جهانی است؟ اصلاً چاره دردهای بشریت جز بر پایه حکومت جهانی است؟ نیست. پس پاسخ روشن شد.

روز عزیزان من، یکی از مأموریت‌های اصلی ما طرح حکومت جهانی است که این در فطرت انسان‌هاست. خدا از انسان‌ها برای این حکومت عهد گرفته است.

طرت الهی انسان‌ها بر پایه حکومت جهانی امام معصوم و عادل خلق شده است. اصلاً انسان‌ها خلق شده‌اند که بدون و تلاش کنند و به آن حکومت جهانی برسند که وقتی سیدند، تازه نقطه آزادی، حرکت و تعالی کل جامعه بشری آغاز می‌شود. این نیست که آنجا نقطه آخر است. همه این تاریخ گذشته و مجاهدت‌ها مقدمه است و تشکیل کومت جهانی پله اول است. وقتی عدالت برپا شد، تازه فصل شکوفایی انسان‌هاست. هنوز حقیقت انسان‌ها رو نشده است.

ن انسانی که خدا همه اسم‌ها را به او تعلیم داد و وقتی از او خواست که نبههم باسمائهم هولاء؛ به اسماءشان خبر بده. وقتی انسان شروع کرد به تجلی اسمای الهی، خدا نت به او سجده کنید. یک دفعه دیدند تجلی خدا شد. آیا انسان به آنجا رسیده است؟ آیا غیر از چهارده معصوم کسی به مرزهای او رسیده است که آن هم کسی ندید، ون ظرفیت نداشت که ببیند.

یرالمؤمنین علی (ع) مبین، آیینة تمام نمای حق و کلام حق است. هوالاول و الاخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شی علیهم. تجلی همه اسمای خدا در حد اعلاست. که

صوت خدا را با صدای امیرالمؤمنین می‌شنود و می‌گوید از من هر چه می‌خواهید، بپرسید. سلونی قبل آن تفقدونی. بپرسید. ببینید ظرفیت چقدر است؟ می‌پرسد موهای من چقدر است؟ این کجا می‌تواند بفهمد که تجلی اسما کجاست. مقام تجلی و خلیفه الهی کجاست؟

حالا کسی محضر امام رضا(ع) مشرف می‌شود. نمی‌خواهم بگویم این بد است. می‌خواهم نسبت را ببینیم. همه وجودش این است که از امام رضا(ع) ده هزار تومان را بگیرد و خداحافظ، برود. اشکالی ندارد. ما همه خواسته‌هایمان را باید به امام عرضه کنیم، اما اگر سقف خواسته این باشد، معنایش این است که ظرفیتی برای حقیقت امام ایجاد نشده است.

بقع این ظرفیت ایجاد می‌شود؟ زمانی که عدالت برپا بشود. عدالت در واقع فراهم کردن شرایط مناسب برای رشد انسانی است؛ یعنی شرایط مناسب بشود تا انسان کوفتا بشود. شاید این مثال بلاشکال باشد و ذهن را به مطلب نزدیک بکند. عدالت درباره یک گیاه یعنی باید شرایط متعادل را برایش فراهم کنیم؛ خاک مناسب، ش در عمق مناسب باشد، نور و آب مناسب بدهیم، از حشرات و آسیب‌ها حفاظت کنیم تا شرایط فراهم بشود و این گیاه آنچه در دورن خود دارد، بیرون بریزد. خدا د این گیاه قرار داده است که بهترین سیب‌ها را عرضه بکند و صد کیلو سیب درشت و پرمحتوا بدهد.

شرایط را برایش فراهم کردیم، تازه آن چیزی که خدا در درونش قرار داده است، بیرون می‌ریزد. خدا در دورن انسان حقایقی قرار داده است که وقتی عدالت برپا د، تازه اینها را بیرون می‌ریزد؛ یعنی وقتی عدالت برپا شد، تازه شروع سیر کمالی انسان اتفاق می‌افتد.

من، بهترین فرصت برای ما پیدا شده است. البته کار سخت است. من می‌دانم بالاخره سختی‌های شخصی، اجتماعی و زندگی هست، اما بالاخره چه؟ امروز جهان به تنوریک در یک خلاء به سر می‌برد. تنوری جایگزین چیست؟ ما معتقد هستیم تنوری جایگزین حکومت جهانی فرزند پیامبر، حضرت مهدی(عج) است که این وعده همه انبیای الهی و فخر عالم است. چند نظر وجود دارد. بعضی‌ها می‌گویند اصلاً این حرف‌ها در دنیا مگر می‌گیرد؟ این حرف‌ها چیست که شما می‌زنید؟ کلی ی، یهودی و غیر شیعه هست.

ها می‌گویند این حرف‌ها موجب اختلاف است. بعضی‌ها می‌گویند زمان آن نرسیده است. آیا واقعاً این طور است؟ آیا ما حقیقت امام و حاکمیت جهانی امام را در عرضه کرده‌ایم که ببینیم مشتری دارد یا ندارد؟ مگر می‌شود نداشته باشد. اگر ما حقیقت و حکومت امام را عرضه کنیم، حتماً مشتری دارد، چون منطبق با فطرت هاست. عهدی است که خدا از انسان‌ها گرفته است. چهره آشنای همه فطرت‌هاست.

ان در دنیا بروید، علی رغم همه این مشکلات و مفاصدی که دیکتاتورها و طاغوت‌های عالم تحمیل کردند، با هر کس که بنشینید و صحبت کنید، ته دل او یک نور هست، می‌گوید کسی خواهد آمد و حتماً آینده خوب خواهد بود. اگر این امید نباشد، کسی کاری نمی‌کند و همه رها می‌کنند و می‌روند، می‌خوانند و تسلیم ند. به نظرم ما از حقیقتی غافل شدیم. در داخل کشور نیز همین طور است. آن حقیقت انگیزاننده جلو برنده عبارت است از: امامت و ولایت و در نقطه اوج وجود امام همه دل‌ها را زنده می‌کند. اکسیری است که انسان‌ها را متحول می‌کند.

بنجا من یک حاشیه بزنم. من دیدم بعضی‌ها اصلاً مطلب را نفهمیده‌اند. گفتند اینهایی که می‌گویند امام زمان، پس منظورشان این است که ولایت فقیه لازم نیست. چقدر کج فهم هستند. چون می‌گوییم امام زمان، ولایت فقیه هم لازم است.

ام زمان نبود، ولایت فقیه هم معنا نداشت. همه اهمیت و عظمت ولایت فقیه به خاطر عظمت و اهمیت امام زمان است. پشت و فلسفه‌اش را دارد محکم می‌کند. اصلاً جمهوری اسلامی برپا شد که ملت ایران و جامعه بشری را به آن حقیقت بالا متصل کند. والا ما بگوییم که یک حکومت درست کردیم و خودمان، هستیم و وقتی ت و حقیقت امام هست، نیابت امام ارزش و اهمیت والایی دارد.

ی‌دانم، بعضی‌ها اصلاً متوجه نمی‌شوند، فکر می‌کنند یک سیستم قدرت‌بندی و مبارزه برای قدرت هست. این مسیر، مسیر نورانی، الهی و سلسله الهی است. اتفاقاً هر دیک بشویم، بیشتر نیازمند به مدیریتی هستیم که رنگ و بوی آنجا را بدهد. پانصد سال پیش و صد سال پیش چنین درکی وجود نداشت. چون نزدیک شدیم، امام این اصل را مطرح کرد و چون بشر رشد کرد و به آن اصل نزدیک شد، این حقیقت را پذیرفت. ما دیدیم این حرف چقدر آشناست و رابط لازم است.

من! در دنیا در داخل کشور در هر مواجهه‌ای، اگر ما حاکمیت جهانی را مطرح بکنیم، برنده هستیم. بعضی‌ها می‌گویند آقا تفرقه می‌شود. چه طور تفرقه می‌شود؟ جدت از شئون امام است. غیر از امام چه کسی می‌تواند وحدت درست کند. امروز در جمهوری اسلامی وحدت هست. چرا؟ به خاطر اینکه می‌گوییم که حکومت به از امام است. والا وحدتی معنا ندارد. وقتی می‌خواهیم در گذشته برویم و وحدت بکنیم، کار خیلی سخت می‌شود. لایه‌های تعصبات را همین طور چیده‌اند و حقایق را نمی‌پذیرند. چند میلیارد دلار نفتی الان دارد پخش می‌شود برای اینکه حقانیت امیرالمؤمنین علی(ع) را زیر سؤال ببرند. یک دلار، دو دلار، پنج میلیارد چقدر؟ قا اشاره داشتند. الان همین طوری اسکناس‌ها دارد در دنیا پخش می‌شود. چقدر کتاب و شبه‌پراکنی می‌کنند؟ چقدر آدم تربیت کرده‌اند اگر عدد آدم‌های احمقی که شده است برای اینکه بمب به خودش ببندد بکشد، بشنویم می‌گوییم چه خبر است؟

بهل هزار تا تربیت کردند و در داخل کیسه است. درست مثل فشنگی که کارخانه درست می‌کند و در انبار می‌گذارند که حالا احمدی‌نژاد، یا جناب عالی یا حاج نا فرصت کرد، ترور کند و بعد به بهشت برود. عجب بهشتی هم می‌شود!

روی آینده برویم، می‌بازند. از طریق آینده حقانیت گذشته قابل اثبات‌تر است و راحت می‌شود اثبات کرد. من نمی‌خواهم کارها را نفی کنیم، ولی وقتی آنجا مجبور است موافقت کند و نمی‌تواند موافقت نکند. کسی نمی‌تواند حاکمیت عدالت جهانی در آینده را نفی کند و کسی نمی‌تواند نفی کند که فرزندی از فرزندان نام این کار را خواهد کرد. کسی که پیامبر ویژگی‌هایش را به روشنی بیان کرده و کسی نمی‌تواند نفی‌اش بکند. عزیزان من، امروز جهان تشنه است. اگر افق نگاه باشد، مشکلات داخلی را هم بهتر می‌توانیم حل کنیم.

ما ایراد می‌گرفتند چرا می‌گویید مدیریت جهانی و ملت ایران باید در مدیریت جهانی نقش داشته باشد. ما گفتیم حتی اگر تکلیف الهی، انقلابی و اسلامی هم حتی اگر آنها هم در کشور ما دخالت نمی‌کردند و ضرورت پس زدن سیاست‌های استعماری هم نبود، مدیری که نگاهش به قله بالاتر است، قله پایین‌تر را بتواند فتح کند.

که خودش را برای اورست آماده می‌کند، الوند را به راحتی و آسانی فتح می‌کند. اما کسی که حداکثر نگاهش قله الوند است، پایین‌تر است. روشن است. که خودش را آماده می‌کند برای دویست کیلو وزنه زدن، صد و پنجاه و صد کیلو را راحت می‌زند، چه برسد به اینکه ما اصلاً موجودیت‌مان برای حکومت جهانی فرق فرهنگ شیعه با بقیه چیست؟ این است که از اول نگاه شیعه جهانی بوده است.

وم، قبیله، رنگ، نژاد، طایفه و زبان برای شیعه محدودیت ایجاد نکرده و اصالت نداشته است. اصلاً فرهنگ امامت جهانی است و نمی‌تواند در جغرافیا محصور باشد. است. نسیمی است که باید منتشر بشود و همه جهان را بگیرد. امروز روزش است. اگر غفلت کنیم، دیگران دوباره با نقاب‌هایی برمی‌گردند و صد سال عقب به خدا این قدر جاذبه دارد، سال اولی که به سازمان ملل رفتیم، در این نطق نوشته بودیم و با امام زمان شروع کردیم و با امام زمان تمام کردیم. در اینجا به ادبیم، خواندند و گفتند: آقا در سازمان ملل اسم حضرت زهرا و امیرالمؤمنین را می‌خواهید ببرید؟ اصلاً کسی متوجه نمی‌شود. گفتیم چرا؟ می‌گوییم که متوجه

هم، سؤال درست می‌شود، سؤال می‌کنند و جوابشان را می‌دهیم و جالب است که ما بعدش با هر کس صحبت کردیم و الان صحبت می‌کنیم، بلااستثنا می‌گویند معتقد هستیم یک حقیقت آسمانی خواهد آمد و جهان را اصلاح می‌کند، ما هم این را قبول داریم. حتی ما با مسیحی‌ها صحبت کردیم.

ن مسیحی مفصل صحبت کردیم. آنها نشستند و طبق معمول همین سؤال‌های روزنامه‌ای را مطرح کردند. گفتند آقا چرا گفتی هولوکاست؟ چرا بمب اتم بسازید؟ چرا در عراق دخالت می‌کنید؟ ما همه اینها را جواب دادیم و کنار گذاشتیم و گفتیم حالا نوبت ماست و ما سؤال می‌کنیم. گفتیم شما می‌خواهید چه ؟ در مورد این جنایت‌هایی که در دنیا اتفاق می‌افتد، نظراتان چیست؟ تأیید یا تکذیب می‌کنید؟ این وضع موجود دنیا را شما قبول دارید یا ندارید؟ همه‌شان ن نداریم.

ن از بحث‌ها گفتیم حالا باید چه کار کرد؟ باید بنشینیم خودش اصلاح بشود؟ من صراحتاً به آنها گفتم، مأموریت شما به عنوان روحانی مسیحی که حالا من م که دینی به نام دین مسیحیت وجود دارد، چون دین اسلام یکی بیشتر نیست، ما نصارا داریم که یک فرقه‌اند. دینی به نام دین مسیحیت و یهودیت وجود م هنر شما و نهایت احساس مسئولیت شما این است که از این آدم‌کش‌ها و استعمارگران پول بگیرید، به آفریقا بروید و گروه‌های تشریری درست کنید، مدرسه، رست کنید و چهار بیچاره را مسیحی کنید؟ این مأموریت شماست؟ اینکه سطحش خیلی پایین است. اینجا حرفی نداشتند. گفتم چه باید کرد؟ گفتند حضرت آید و درست می‌کند. گفتم بسیار خوب، ما هم قبول داریم و چیزی اضافه بر این قبول داریم. ما معتقد هستیم کسی خواهد آمد و حضرت مسیح نیز همراه او .. اما در اینکه کسی در آینده خواهد آمد و درست خواهد کرد که مشترک هستیم. گفتیم باید چه کار بکنیم؟ ما هیچ مسئولیتی در مقابل آن آینده نداریم؟ باید گاه کنیم یا باید تلاش کنیم؟ آنجا دیگر چاره‌ای نداشتند، چون استدلال روشن و قوی بود. گفتند بله، گفتم بیا بیاید روی این کار بکنیم. این فصل مشترک ماست، اختلاف کنیم؟ هر جا ظلمی هست، جلویش بایستیم. فهرست کنیم در دنیا کجاها ظلم می‌شود؟

یت جهانی و امام محور، وحدت همه بشریت و همه فطرت‌های سالم است. هر کس صادقانه با خدا و پیامبران برخورد کند، امام محور وحدت است. با آنها بی ستند، کاری نداریم. آقای بوش هم می‌گفت مسیحی است و به کلیسا می‌رود. شاید الان هم برود. او یک میلیون آدم کشت.

ن، دروازه علم، معرفت و کمال جز خط ولایت و امامت و در نقطه اوج، امام نیست. راه دیگری وجود ندارد. ممکن است آدم ذهنش را از یک سلسله معلومات د، ولی این معرفت، کمال و شکوفایی نمی‌آورد و انسان را بزرگ نمی‌کند. فرمود ان مدینه العلم و علی بابها. راه دیگری ندارد، والا می‌فرمود علی من ابوابها. یک وجود ندارد و اصلاً جمهوری اسلامی درست شده است که این فرهنگ را در کشور و دنیا منتشر کند.

ی دلش با حقیقت امام آشنا بشود، محال است که تن به این پستی‌های عالم بدهد و زیر بار طاغوت‌ها برود. محال است دست به تقلب و دزدی از این طرف و چقدر ما الان داریم با آسیب‌های اجتماعی مقابله می‌کنیم و هزینه اجتماعی، فرهنگی و ... می‌کنیم.

نا بشود اینها دیگر وجود ندارد، در مقیاس خانواده اگر زن و شوهر دلشان با امام آشنا بشود، اصلاً اختلاف و طلاق و دعوا وجود ندارد. آن حوزه، حوزه عشق، محبت، ایثار و فداکاری است. از آن که خارج شدیم، ظلمات است. همه نازیبایی‌ها، مشقت‌ها و سقوط‌ها به خاطر دوری از این حقیقت است. امروز ما را تبیین و بسته‌بندی و به زبان دنیا منتشر نکنیم. خریدار در دنیا خیلی دارد.

ی به من گفت آقا ما دو شبکه جهانی تلویزیونی داریم که مال دولت است. این در اختیار شما باشد. بیا بید فرهنگ امام(ره) را معرفی کنید. من البته هر چه توانستم کاری کنم افرادی بروند. مراجعه، خواهش و درخواست کردم که چند نفر در این تراز به ما بدهید که در تلویزیون آنجا حرف‌ها را بگویند. باید نگاه را گذاری را آنجا بگذارید، برای آنجا هم تجهیز می‌شوید. به خدا اگر اهداف بلند بگیریم خدای متعال کیسه‌مان را پر می‌کند.

دفع را بلند گرفته، به خدا کیسه را پر می‌کند و نمی‌گذارد کم بیايد. در طول تاریخ همین طور بوده و این سنت خداست. مگر می‌شود خدا مأموریتی بدهد و ندهد؟ نمی‌شود، خداست. از هر جا باشد و در و تخته را به هم می‌زند و نمی‌داندیم از کجا ردیف شد. برای کار مهم صیانت از حقیقت دین، توحید، عدالت، اگر کسی بخواهد مجاهدت کند، خدا تنه‌پایش می‌گذارد؟ من باور نمی‌کنم.

سنت خداست، از جایی می‌آورد که برزقکم و برزقه‌م من حیث لا یحتسب و یحتسب. خدا از جایی می‌فرستد که نمی‌دانیم از کجا آمد. همین جمهوری اسلامی مال چگونه زندگی کرده است؟ تحریمی که در این چند سال اخیر کردند، در تاریخ بی‌سابقه است. این قدر ذالت‌بار است، گروه‌هایی را تعیین کرده‌اند که ردگیری می‌کنند. در دنیا چه کار می‌کنیم؟ چه می‌خریم؟ از کجا می‌بریم؟ و پولش را از کدام بانک می‌دهیم؟ بلافاصله در آن کشور می‌روند و به آن بانک و می‌گویند این حساب را ببند. به دولت‌ها فشار سیاسی می‌آورند که جلوی‌ش را بگیر. به شرکت‌ها فشار سیاسی می‌آورند و می‌گویند اگر جنس به ایران بده‌مان را یا شما قطع می‌کنیم. خیلی سنگین است، اما بین خود و خدا شما که اینجا نشستید، اصلاً متوجه تحریم دشمن شدید.

حریم‌های ما فلج کننده است. ظرف شش ماه ایران را ساقط می‌کنیم. از شش ماهی که آن آقا گفت یکسال و نیم گذشته است. چه کسی در ایران فهمید؟ از اشکالاتی هست. باید اشکالات را برطرف کنیم، ولی در مقابله با این نبرد عظیم تاریخ‌ساز همه طاغوت‌های عالم مقابل ملت ما هستند.

ا اهریمنی دنیا که سرچشمه تمام اقتصاد و سیاست دنیا هستند، همه مقابل ملت ما هستند، با هم نشستند و تصمیم گرفتند. ما عبور کردیم. آنها الان بها چگونه عبور کردند. از بیرون دارند فشار می‌آورند که چگونه عبور کردید؟ دستشان به جایی بند نیست. یک سری آدم‌های داخل را آنتریک کردند و آنها ما گذاشته‌اند که آقا این تدابیر ویژه را چرا معرفی و اعلام نمی‌کنید؟ خدا عبور داد. چه طور در جنگ تحمیلی ما پیروز شدیم، خدا عبور داد. ان الله یدافع ان اع و پشتیبانی می‌کند. انتصروالله ینصرکم.

ته‌ای من گفتم ما قطعاً پیروز هستیم و اینها قطعاً رفتنی است. آقایی به من پیغام داد که این حرف‌های زیادی چیست شما می‌زنید؟ گفتم من ادعایی ندارم. قرآن خوانده‌ام، فکر می‌کنم خدا راست گفته است. خدا گفته است والدین جاهدوا فینا لنه‌دینهم. خدا گفتند اگر تقوا داشته باشید، فرقان به شما می‌دهم.

من را یاری کنید یاریتان می‌دهم. خدا گفت راهی برای تسلط آنها قرار نداده است، مگر اینکه این طرف معادله آزاد باشد؛ یعنی ما به همین آیه ایمان نداشته ادعایی نداریم. ما کارگری هستیم که در جمهوری اسلامی داریم نوکری می‌کنیم، ولی فکر می‌کنیم خدا درست گفته است.

مین و آسمان در دست خداست. حرکت کنیم، افق بلند داشته باشیم، همه صحبت‌ها و موضع‌گیری‌ها باید جهانی باشد. باید این طاغوت‌ها را تحت فشار قرار ل الهی این اریکه قدرت را پایین بکشیم تا راه باز بشود.

های است که بیایند آنها را نجات و یاری دهند و فکر به آنها بدهند. به شما بگویم، هیچ کس جز شماها نمی‌تواند فکر کند. این فکر باید از سرچشمه درست شود. باید متکی به روایات، آیات و کلام معصوم باشیم. باید بیاید، ساخته، پرداخته و مطرح بشود و بعد ببینیم چه جاذبه‌ای در دنیا ایجاد خواهد کرد.

حمه الله و برکاته

- سفرهای استانی دور چهارم، سخنرانی ها، متن کامل سخنرانی، سفرهای خارجی -

۲۰۱۳ Presidency of The Islamic Republic of Iran

۱۳۹۲ ریاست جمهوری اسلامی ایران

آدرس: تهران - میدان پاس‌تور - خیابان پاس‌تور تلفن: +۹۸(۲۱)۶۴۴۵۱